

تعیین نسبت پاسخ‌دهی به حملات ایران و گروه‌های نیابتی‌اش

به قلم مایکل نایتز (/fa/experts/maykl-naytz-0/)

۱۳ فوریه ۲۰۲۰

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/establishing-response-ratio-iranian-and-proxy-attacks

العربية (/ar/policy-analysis/thdyd-nsbt-alrd-ly-hjmat-ayran-wwklayha/)

درباره نویسنده



مایکل نایتز (/fa/experts/maykl-naytz-0/)

مایکل نایتز یکی از همکاران ارشد انستیتو واشنگتن و متخصص امور نظامی و امنیتی عراق، ایران، یمن و کشورهای عربی خلیج است.

دکتر نایتز بارها عراق، یمن و کشورهای خلیج فارس سفر کرده و به طور منظم در خصوص سیاست‌گذاری‌های دولت ایالات متحده، کمیته‌های کنگره و افسران نظامی آمریکا در امور امنیتی منطقه.



تحلیل کوتاه

تقویت بازدارندگی و محافظت از آمریکایی‌ها در عراق و سوریه مستلزم یک سیستم فرمول‌بندی‌شده برای تعیین نسبت ضربه متقابل در قبال حملات ایران و گروه‌های نیابتی‌اش با شدت زمان و مکان مناسب است.

حملات هوایی ایالات متحده در ۲۹ دسامبر و ۳ ژانویه به شبه‌نظامیان کتائب حزب‌الله و چهره‌های ارشد نظامی ایران به مثابه پاسخ تلافی‌جویانه‌ای بود که پس از مدت‌ها خویشتن‌داری در برابر طیفی از اقدامات تحریک‌آمیز شبه‌نظامیان عراق صورت گرفت. با این حال گرچه این ضربات قدرتمند ممکن است درجه‌ای از احتیاط را وارد محاسبات دشمن کرده باشد اما این روش بازدارندگی به احتمال زیاد می‌تواند به معنای هدر رفتن منابع باشد.

حادثه‌ای که جرقه این حملات را زد کشته شدن یک پیمانکار غیرنظامی آمریکایی بود که در جریان حمله موشکی کتائب حزب‌الله در تاریخ ۲۷ دسامبر به پایگاه کی-وان (K-1) در کرکوک اتفاق افتاد. آن حمله نمونه‌ای از رشته عملیات مخاطره‌آمیز شبه‌نظامیان عراق بر ضد تاسیسات ایالات متحده به شمار می‌رود. فقط بخت بلند بوده که از مرگ تعداد بیشتری از آمریکایی‌ها در حملاتی که پس از آن حمله صورت گرفته جلوگیری کرده است. از جمله: حمله ایران در ۸ ژانویه (با موشک‌های بالستیک به بخش آمریکایی پایگاه هوایی الاسد که به بیش از صد سرباز آمریکایی صدمه مغزی غیرمرگبار وارد کرد) حمله ۲۶ ژانویه (اصابت خمپاره به تالار غذاخوری سفارت آمریکا در بغداد) حمله ۳۱ ژانویه (حمله راکتی به تاسیسات آمریکایی در قیّاره غربی) حمله ۱۰ فوریه (پرتاب ابزار انفجاری به کاروان تدارکاتی ایالات متحده در جنوب بغداد) و حمله ۱۳ فوریه (حمله راکتی به تاسیسات آمریکایی در کرکوک).

ایالات متحده ظاهراً به تهران این پیام را رسانده که در صورت کشته شدن آمریکایی‌ها به شبه‌نظامیان عراقی و اهداف ایرانی حمله خواهد کرد اما این خط قرمز یک منطقه خاکستری خطرناک گشوده که در آن ایران و نزدیکانش برای ادامه حملات غیرمرگبار خود جسور شده‌اند. در کنار این واقعیت که چنین حملات خطرناکی در مقطعی از زمان بالاخره به کشته شدن آمریکایی‌ها منجر خواهد شد ادامه آن طوری که حمله ۸ ژانویه نشان داد به مجروح شدن شمار بیشتری از آمریکایی‌ها می‌انجامد. افزون بر این حملات آزادی حرکت نیروهای آمریکایی را در عراق و سوریه محدود می‌سازد و هدف اصلی حضور آمریکا در آنجا را تضعیف می‌کند.

این وضعیت قابل قبول نیست ایالات متحده نیاز دارد راهی برای جلوگیری از چنین حملاتی بیابد حتی اگر حمله به کشته شدن آمریکایی‌ها منجر نشود. ارتش آمریکا هنگامی که در دهه‌های گذشته با چالش‌های مشابهی روبرو می‌شد سیستم‌های محاسباتی ایجاد می‌کرد که بر اساس آن هر جنایتی با مکافات متناسب پاسخ می‌گرفت و در آن لایه‌های مفید پیش‌بینی‌پذیری رعایت تناسب و پاسخگویی در نظر گرفته می‌شد.

تجربه مناطق پرواز ممنوع در عراق

در دهه ۱۹۹۰ نیروهای صدام حسین به تدریج خطوط قرمز ایالات متحده در مناطق پرواز ممنوع را محک زدند و از واحدهای پدافند هوایی برای هدف قرار دادن گشت‌های روزانه آمریکایی با درجات مختلفی از جدیت بهره‌گیری کردند. مقامات آمریکا متوجه شدند که به سازوکاری برای به‌روزرسانی نحوه و شدت پاسخ‌های بازدارنده و تنبیهی نیاز دارند - نه تنها برای ایمنی و حفظ ظرفیت عملیاتی نیروها بلکه برای سپردن مسئولیت پاسخ‌های متقابل به فرماندهان محل با حفظ لزوم پاسخگویی و رعایت تناسب. راه حل به دو شکل ارائه شد: نسبت پاسخ‌دهی و گزینه‌های پاسخ‌دهی.

«نسبت پاسخ‌دهی» یک سیستم محاسباتی بود که انواع مختلفی از تحریکات دشمن را رتبه‌بندی و سپس معادل آن را به نحوی تقریبی با پاسخ‌های نظامی ایالات متحده حساب می‌کرد. این سیستم عوامل زیر را در نظر می‌گرفت:

- **کمیت حملات** - تعداد حملات در یک بازه زمانی مشخص (به عنوان مثال پانزده روز گذشته).
 - **کیفیت حملات**. عثلاً آتش تصادفی توپخانه ضد هوایی حساسیت کمتری داشت از پرتاب موشک مرگبار زمین به هوای SA-6. و حملات به تجهیزات حساس مانند هواپیماهای تجسسی (موسوم به سیستم‌های پروازی هشدار و کنترل زود هنگام) با حساسیت بالایی محاسبه می‌شد.
 - **نسبت پاسخ‌دهی** - شدت هر پاسخ متقابل ایالات متحده با محاسبه عددی عوامل کمی و کیفی مشخص یا با یک محاسبه خارج از رتبه‌بندی (مثلاً پنج آتش توپخانه ضد هوایی معادل یک حمله موشکی) تعیین می‌شد.
- گزینه‌های پاسخ مجموعه‌ای از اهداف از پیش بررسی شده بود که می‌شد در فرایندی سریع دستور اقدام تلافی‌جویانه بر ضد آن اهداف صادر شود. این سیستم شامل دو متغیر بود:

- **انتخاب اهداف**. گزینه‌های پاسخ متقابل درجه‌بندی شده بودند. پایین‌ترین هدف می‌توانست حمله مستقیم به یگان دفاع هوایی متخلف باشد. سطح بعدی می‌توانست یک حمله غیرمستقیم به اهداف دفاع هوایی ارزشمندتر در نقاط مختلف باشد. گزینه‌های سطح بالاتر می‌توانست شامل هدف قرار دادن اهدافی خارج از منطقه پرواز ممنوع یا اهدافی غیر از دفاع هوایی باشد. این سیستم به فرماندهان آمریکایی این گزینه را می‌داد که هرازگاهی به اهداف راهبردی ارزشمندی در سطح مقرهای فرماندهی در سطح ملی و تاسیسات نظامی حمله کنند.
- **مقامات فرماندهی**. هر گزینه پاسخ متقابل سطح مشخصی از مجوز داشت. پایین‌ترین گزینه می‌توانست در سطح تاکتیکی مجاز باشد (به عنوان مثال خلبانی که به او تیراندازی شده) در حالی که پاسخ‌های شدیدتر به تصویب فرمانده کل در سنتکام (مرکز فرماندهی کل نیروها) یا حتی رهبران ارشد غیرنظامی در واشنگتن نیاز داشت.

نکته مهم این که این سیستم محرمانه بود تا دشمن دقیقاً نداند اقدام تلافی‌جویانه چگونه سنجش و یا به آن مجوز داده می‌شود. به همین شکل سیستم می‌توانست بی‌سروصدا تغییر یابد تا با شرایط متغیر در عراق و اراده سیاسی در واشنگتن انطباق پیدا کند. این سیستم همچنین به مقامات آمریکایی این امکان را می‌داد که از پاسخ متقابل در یک موقعیت مشخص خودداری کنند و آن را برای پاسخی سنگین‌تر به پرونده دشمن اضافه کنند و در زمان و مکانی پاسخ دهند که خود انتخاب می‌کنند. اما این کار همیشه با یک مقیاس و منطق محاسبه داخلی انجام می‌شد. هنگامی که این سیستم با همان جدیتی اعمال شد که در منطقه پرواز ممنوع در شمال عراق در ۱۹۹۸ عمل می‌شد این روش‌ها به طور مؤثری حملات عراق به هواپیماهای آمریکایی را کاهش داد.

بکارگیری نسبت پاسخ‌دهی در شرایط امروز

حداقل برخی از سازوکارهای موجود در نسبت‌ها و گزینه‌های پاسخ‌دهی متقابل برای غلبه بر چالش پیچیده محافظت از نیروها در عراق و سوریه کارآمد است. پرسنل ایالات متحده باری دیگر در مناطق تحت نفوذ یا کنترل دشمن فعالیت روزانه دارند. در واقع اقدام سریع ایالات متحده به حمله مهلک موشکی ۲۷ دسامبر نشان می‌دهد که گزینه‌های از پیش بررسی شده در پاسخ‌دهی به کار رفته است. با این حال به طور کلی وضعیت فعلی ایالات متحده پیش‌بینی‌پذیر و آسیب‌پذیر است و اقدامات کاملاً دفاعی هرگز برای حفاظت از سربازان دیپلمات‌ها و پیمانکاران آمریکایی کافی نخواهد بود. دولت آمریکا تنها با تلفیق اقدامات دفاعی و بازدارندگی همراه با مجازات می‌تواند وظیفه خود را برای تضمین بالاترین درجه از حفاظت انجام دهد.

یک نسبت پاسخ‌دهی جدید می‌تواند عوامل زیر را در نظر بگیرد:

- **کمیت حملات.** تعداد حملات مورد حمایت ایران به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه در بازه‌های زمانی مشخص فرضاً سی روز گذشته.
- **کیفیت حملات.** حملات راکتی و خمپاره‌ای که با شلیک دقیق یا سنگین با قصد آشکار کشتن همراه هستند باید با حساسیت بالاتری در نظر گرفته شوند در قیاس با حملاتی که هدف آن‌ها ارباب است و نیز حملاتی که عمداً به هدف اصابت نمی‌کنند. اهداف حساس (مثل تسهیلات استحکام‌نیافته هواپیما کاروان‌های وسایل نقلیه) نیز می‌تواند در رتبه بالاتری از حساسیت قرار گیرد. استفاده از سلاح‌های پیشرفته مانند بمب‌های کنارجاده‌ای موشک‌های دقیق‌زن یا موشک‌های بالستیک هم می‌تواند حساسیت بالایی کسب کند.
- ارتش آمریکا برای شکل دادن به نسبتی برای پاسخ‌دهی جهت سازماندهی پاسخ‌های نظامی خود در برابر چنین حملاتی می‌تواند روش زیر را در نظر گیرد:
- **گزینه‌های پاسخ‌دهی.** کمترین پاسخ ممکن است شلیک به تیم‌های راکت‌انداز باشد همان‌طور که ظاهراً در ۳۱ ژانویه رخ داد و توپخانه یک تیم راکت‌انداز دشمن که به بخش آمریکایی پایگاه هوایی قیاره غربی شلیک می‌کرد هدف قرار گرفت. اهداف سطح بالاتر می‌تواند شامل پایگاه‌های شبه‌نظامیان و پرسنل تاکتیکی باشد (مانند کسانی که در ۲۹ دسامبر مورد حمله قرار گرفتند) یا رهبران شبه‌نظامی (مانند کسانی که در ۳ ژانویه کشته شدند). حملات غیرمرگبار حملاتی که عمداً به نزدیکی هدف اصابت می‌کنند و یا حملات مرگبار به پرسنل نزدیک به رهبران شبه‌نظامیان و همچنین حملات سایبری از گزینه‌های احتمالی دیگر هستند. یک فرایند مداوم برای شناسایی نوبتی اهداف و بررسی و تصویب آن‌ها در حال حاضر در جریان است بنابراین فقط درجه‌بندی گزینه‌های پاسخ‌دهی نسبت به سطوح مختلف حمله لازم است.

- **مقامات فرماندهی.** سطح صدور مجوز برای اکثر یا همه این گزینه‌های پاسخ‌دهی باید بالا باشد مثل مرکز فرماندهی کل (سنتکام) یا به احتمال زیاد رهبران ارشد غیرنظامی در واشنگتن. با توجه به این‌که بسامد حملات ضروری پایین خواهد بود درگیر کردن رهبران رده‌بالا در هر مورد غیرواقعیانه نیست و دخیل کردن آن‌ها در این فرایند زحمت اضافه‌ای در بر ندارد. در بیشتر موارد عجله‌ای برای حمله وجود نخواهد داشت و سیستم پاسخ‌های از پیش تأییدشده به طور کلی تلافی به‌موقع را تسهیل می‌کند. این تلافی مطمئناً به اندازه کافی سریع خواهد بود تا دشمنان ایالات متحده بتوانند ارتباط میان تحرکات مشخص خود و پاسخ‌های متناسب واشنگتن را دریا باندند.

سیاست تلافی در عراق

نظام بازدارندگی باید به طور منظم مرور و به‌روز شود. هر سیستم پاسخ‌دهی نیاز به تمرین و بررسی مداوم دارد تا اطمینان حاصل شود که هنوز متناسب با اهداف است. سپس واشنگتن می‌تواند نسبت پاسخ خود را بنا به اراده خود و به طور محرمانه تغییر دهد. در حال حاضر ارتش آمریکا ممکن است احساس کند که ناچار است به یک حمله پاسخ متقابل فوری بدهد تا مردم به نظر نرسد این سیستم می‌تواند فشارها و به تبع آن خطر حملات تلافی‌جویانه در شرایط خطرناک را کاهش دهد. به‌ویژه در مواقعی که نیروهای دشمن قصد دارند نیروهای ایالات متحده را به سمت آسیب زدن به غیرنظامیان بکشانند بسیاری از مؤلفه‌های این سیستم (به عنوان مثال تأیید اهداف و ملاحظات مربوط به تناسب پاسخ متقابل) در حال حاضر وجود دارد اما در یک چارچوب منطقی دفاعی یکپارچه نشده است.

دولت ایالات متحده برای شکستن چرخه فعلی به یک سیستم تلافی نیاز دارد که بهتر فرمول‌بندی شده و متوازن با ویژگی‌های مکانیکی و سیاسی باشد. در غیر این صورت ایران و شبه‌نظامیان نیابتی آن کماکان تدابیر بازدارندگی را به چالش خواهند کشید تا آن‌که آمریکایی‌های بیشتری را بکشند و یا زخمی کنند. قتل ابومهدی المهندس رهبر کتائب حزب‌الله و قاسم سلیمانی فرمانده ایرانی در ۳ ژانویه مصداق اقدام تلافی‌جویانه نامتناسب و ناگهانی بود و خطر جدی تشدید تنش ناخواسته را ایجاد کرد که بالقوه می‌تواند به تضعیف موقعیت کلی ایالات متحده در عراق و سوریه (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/u.s.-dos-and-donts-in-iraq>) منجر شود. کسانی که در آرزوی صلح هستند باید به دنبال نظام بازدارنده‌ای باشند که به شکل پلکانی شدت می‌یابد و قادر است احتمال درگیری ایالات متحده و ایران را پایین نگاه دارد.

مایکل نایتز هموند ارشد انستیتو واشنگتن از سال ۲۰۰۳ به این‌سو از نزدیک در خصوص مسائل امنیتی عراق کار کرده و از جمله رساله‌ای

در خصوص سیاست‌های مرتبط با حملات هوایی آمریکا در عراق نوشته است. ❖



BRIEF ANALYSIS

Bennett's Bahrain Visit Further Invigorates Israel-Gulf Diplomacy

فوریه ۲۰۲۲

◆
Simon Henderson

[\(/policy-analysis/bennetts-bahrain-visit-further-invigorates-israel-gulf-diplomacy\)](#)



BRIEF ANALYSIS

Libya's Renewed Legitimacy Crisis

فوریه ۲۰۲۲

◆
Ben Fishman

[\(/policy-analysis/libyas-renewed-legitimacy-crisis\)](#)



BRIEF ANALYSIS

The UAE Formally Ceases to be a Tax-Free Haven

فوریه ۲۰۲۲

◆
Sana Quadri ,
Hamdullah Baycar

[\(/policy-analysis/uae-formally-ceases-be-tax-free-haven\)](#)

TOPICS

[\(fa/policy-analysis/trwrysm/\)](#) تروریسم

[\(fa/policy-analysis/nzamy-w-amnyty/\)](#) نظامی و امنیتی

[\(fa/policy-analysis/syast-amryka/\)](#) سیاست آمریکا

[عراق \(fa/policy-analysis/raq/\)](#)

[ایران \(fa/policy-analysis/ayran/\)](#)